

صدراعظمی که با استخاره انتخاب می شد

۲۵ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۰۹

شاه بدون اینکه سخن گوید اوراق را درهم ریخت و بار دیگر نام امین‌السلطان را از میان آنها برداشته، لای قرآن نهاد. این مرتبه نیز اشاره حکیم‌الملک فهماند که باید آیه امیر بیاید و چنین شد....

در بخشی از کتاب آمده است:

ترتیب استخاره چنین داده شد که «حکیم‌الملک» پشت صندلی شاه بایستد، تا اسمی را که شاه داخل قرآن می‌گذارد، ببیند. سید بحرینی هم حین انجام تشریفات استخاره، به بالا بنگرد و از اشاره مثبت و یا منفی حکیم‌الملک تکلیف را بداند. روز موعود فرا رسید و مجلس استخاره در نارنجستان بلور که بنایی مستقل و زیبا و در جنوب غربی دیوانخانه واقع بود، منعقد گردید.

...شاه بالای صندلی قرار گرفت و گفت تا آقای بحرینی را به حضور بخوانند. او مردی کوتاه قد و سمین (چاق) بود و چشمانی ریز و درخشان و چهره‌ای سبزه متمایل به زرد داشت. او بسم‌الله گویان و ذکرکنان با ترتیبی خاص به حضور آمد. شاه به او گفت: آقا، بیایید روبروی من بنشینید که امر مهمی در پیش است و از خداوند راه می‌خواهیم. سید بحرینی برابر شاه روی قالیچه به زمین نشست. شاه نام یکی از افراد مورد نظر را که بر ورقهای جداگانه نوشته و به پشت روی میز گذاشته شده بود برداشته، میان اوراق قرآن قرار داد و به دست آقا سپرد.

سید بحرینی با آداب تمام قرآن را بوسیده، به خواندن دعای لازم پرداخت و در پایان ذکر، سر را به آسمان بلند کرد، سوی حکیم‌الملک نگریست و او سر را با علامت منفی بالا برد. آقا قرآن را گشود و پس از مطالعه سربرآورده، عرض کرد: آیه نهی است و راه نمی‌دهد.

شاه ورقه دوم را لای کلام‌الله نهاد و باز اشاره حکیم‌الملک کار خود را کرده، آیه نهی آمد. بار سوم که نام امین‌السلطان میان اوراق مقدس رفت، سر حکیم‌الملک به علامت اثبات به زیر آمد و سید بحرینی گفت: قربان، آیه امر است و بهتر از این نمی‌شود. شاه بدون اینکه سخن گوید اوراق را درهم ریخت و بار دیگر نام امین‌السلطان را از میان آنها برداشته، لای قرآن نهاد. این مرتبه نیز اشاره حکیم‌الملک فهماند که باید آیه امیر بیاید و چنین شد. شاه نفسی برآورده خیالش راحت شد و گفت: معلوم می‌شود که خداوند این‌طور خواسته که باز او بیاید.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/20267/مى-انتخاب-استخاره-صدر اعظم>